ترکیه و ترکها در ادبیات جدید ایران

افشار، ایرج

یا در بلژیک فرانسوی نیست باوجود سخن گفتن بزبان فرانسه.همچنانکه در جای‏ دیگر گفته‏ام نه سایر ایرانیان باید هموطنان آذربایجانی و زنجانی خود را ترک خطاب‏ کنند و نه آنها باید راضی باشند که کسی آنان را باین نام خطاب نماید زیرا آنها ترک‏ نیستند و ایرانی خالص میباشند...

خلاصه مقاله طنین چاپ اسلامبول مورخ 18/9/1943

ترکیه و ترکها در ادبیات جدید ایران

«یکی از نویسندگان ملی ایران دکتر افشار است....(در اینجا شرح زندگانی، تحصیلات و مشاغل و خدمات مطبوعاتی او را داده است.)

چنانچه نام خانوادگی او مورد توجه قرار گیرد معلوم میشود از قبیله افشار و ازنژاد ترک است. قبیله نامبرده در منطقه‏ای که از اناطوّلی وسطی گرفته تا برسد بجنوب آذربایجان ایران و مرکز ایران و افغانستان و ترکستان و سواحل شرقی بحر خزر پراکنده شده است.نادر شاه افشار امپراطور معروف ایران(نادر قلی)نیز به Kukli که از شعبات ایل افشار میباشد منتسب است.

نادر شاه با اینکه پادشاه ایران بوده و باوجود اینکه با دولتهای عثمانی و حکومت ترک‏ هندوستان جنگ کرده یک میهن‏پرست ترک بوده است(!)نادر شاه در نامه نادری چنین‏ می‏گوید که در موقع آمدن محمد شاه(امپراطور هندوستان)به اردوی ما ترک بودن خودمان‏ را و ترک و از نسل تیمور بودن او را در نظر گرفته معامله دشمنی با او نکرده و پسر عزیز خود نصر اللّه میرزا را برای استقبال او بخارج اردوگاه فرستادیم نادر شاه در نامه‏هائیکه بپسرش‏ رضا قلی میرزا نوشته باو توصیه مینماید که بفارس‏ها اعتماد نکند و باردوی خود هیچیک از عناصر فارس را راه نداده و نسبت بعجم‏ها اعتماد نداشته باشد.

در یک نامه دیگر بپسرش رضا قلی میرزا چنین مینویسد:(این نامه راجع به تاج‏بخشی و پادشاهی مجدد محد شاه در هندوستان است)

اضمحلال یک امپراطوری ترک را نمی‏خواهم زیرا پس از مرگ من احتمال دارد که‏ این خطه بدست بیگانه‏ها(یعنی ایرانیان!)بیفتد و بدین واسطه یک فرمانروای ترک را که‏ از نسل من می‏باشد بدست خود از بین میبرم.در تواریخ ایران مسطور است که نادر نسبت به‏ ایرانیها اعتماد نداشته و آنها را داخل اردوی خود نمیکرد(!)

ولی دکتر افشار برخلاف نادر ملیت ترک خود را بکلی از دست اده و علاقه خود را بیش از فارسها با آن قطع کرده است.در مجله آینده و در جرائد دیگر مقالات زیادی علیه‏ ترکها منتشر نموده است.